

انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آینده

دین‌داری ما

www.ketab.ir

اصغر طاهرزاده

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰-

انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آینده دین داری ما / اصغر طاهرزاده.
اصفهان: لب المیزان، ۱۴۰۰.
ص ۳۲۸

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴- ۲۶۰۹- ۷۰ -۳

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- پرسش ها و پاسخ ها
Iran—History—Islamic Revolution, ۱۹۷۹---- Questions and answers
طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -- پیام ها و سخنرانی ها
دین -- آینده نگری -- پرسش ها و پاسخ ها
Religion -- Forecasting -- Questions and answers
دینداری -- پرسش ها و پاسخ ها
Religion -- Questions and answers
DSR ۱۵۵۳

۹۵۵/۰۸۳

۸۴۱۴۹۷۷

کتابخانه ملی ایران

انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آینده دین داری ما

اصغر طاهرزاده

چاپ: ونوس / معنوی

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: شکبیا

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

صحافی: مردانی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ویراستار و حروف چین و طرح جلد: گروه فرهنگی المیزان

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ است

مراکز پخش:

تلفن: ۰۳۱-۳۷۸۵۴۸۱۴

۱- گروه فرهنگی المیزان

همراه: ۰۹۱۳۶۰۳۲۳۴۲

۲- دفتر انتشارات لب المیزان

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	مقدمه مؤلف
۳۳	گفتگوی اول توحید بشر الحرامانی
۷۹	گفتگوی دوم ظهور زبان اصیل در هویت تاریخی
۱۱۷	گفتگوی سوم چشم به راه جهانی که در پیش است
۱۵۹	گفتگوی چهارم فلسفه‌ای در شأن «حضور در جهانی بین دو جهان»
۱۹۹	گفتگوی پنجم زندگی با خود، ولی در گستره «وجود»
۲۴۱	گفتگوی ششم ریشه یأس تاریخی جوانان ما و آینده زلال آن‌ها
۲۸۷	گفتگوی هفتم انسان و حضور نزد خود، عین حضور در عالم

مقدمه

باسمه تعالی

۱- پس از طرح سلسله مباحث «انقلاب اسلامی؛ طلوع جهانی بین دو جهان» لازم آمد تا استاد طاهرزاده جهت مبانی معرفتی بحث مطرح شده، نکات بیشتری را در معرض دید مخاطبان خود قرار دهند، در چنین فضایی بود که مباحث «انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آینده دین داری ما» شکل گرفت. در این کتاب خواننده محترم با چند موضوع مهم روبه‌رو خواهد بود؛ از جمله آن موضوعات، نظری است که بشر جدید به خویشتن خویش دارد و باید متوجه باشد خویشتن خود را در بستری از سنت‌های اصیل عالم احساس کند تا در عین جوابگویی به یقینی که در درون خود به دنبال آن است، به نوعی توهم‌زدگی که عموماً فرهنگ مدرنیته گرفتار آن است، دچار نشود.

۲- خواننده محترم در این کتاب با موضوع «آینده» با نگاهی خاص روبه‌رو می‌شود، از آن جهت که آینده سوژه‌ای صرفاً ذهنی نیست، بلکه

حضور است در راستای گستردگی انسان و در دل این موضوع با امر بسیار مهم «جاودانگی»، در عین حضور تاریخی خود روبه‌رو می‌شود، امری که متأسفانه عموماً مورد غفلت قرار می‌گیرد که چگونه انسان می‌تواند در آینده وجود خود حاضر باشد و جاودانگی خود را احساس کند.

۳- توصیه مؤکد ما آن است که خوانندگان محترم در مواجهه با موضوعات مطرح شده در کتاب، متوجه باشند با متنی روبه‌رو هستند که انتظار می‌رود مواظب باشند پیش فرض‌های ذهنی آن‌ها نکات مطرح شده را به حجاب نبرد، از آن جهت که نه می‌توان مطالب مطرح شده در کتاب را صرفاً امر فلسفی به روش هیاسی دانست و نه امری عرفانی به روش شهودی که نوعی دوگانگی بین شاهد و مشهود باشد. گویا عقل و قلب در گستره وجود انسان به صحنه آمده تا انسان، خود را بیابد ولی در عالمی که همه اسمای الهی در آن به ظهور آمده و هر کس می‌تواند خود را فراسوی دوگانگی سوپژه و ابژه احساس کند.

۴- در این کتاب استاد طاهرزاده معارفی را با خواننده در میان می‌گذارند که در دل آن معارف قرار است حیات معنوی و اجتماعی جدیدی با بشر جدید در میان گذاشته شود تا هشداربازی به جریان‌های فرهنگی باشد که تلاش دارند در امور فرهنگی فعالیت کنند و به مخاطبان خود بصیرت‌هایی را متذکر شوند جهت کمک به زندگی و تفکر در جهان جدید، از این جهت این کتاب برای کسانی مفید خواهد بود که پذیرفته باشند مواجهه ما با متفکران غرب، مواجهه‌ای فکری می‌باشد و نه

نفی و طرد آن‌ها و بنا بر آن است تا در چنین جهانی راهی که انقلاب اسلامی مقابل ما قرار داده، تبیین شود.

۵- فلسفه در غرب، همساز و هماهنگ با رخدادهای اجتماعی آن دیار به صحنه آمد و در آن رخدادهای شرکت کرد، در حالی که در دیار ما نه آن‌طور که شایسته فلسفه اسلامی بود، فلسفه اسلامی در رخداد انقلاب و آینده‌ای که در پیش دارد، شرکت کرد و نه ما برای فهمیدن جهان مدرن و کاربردی کردنِ خرد مدرن، برای جهان خود از آن‌ها به صورت انضمامی استفاده کردیم و متأسفانه برای ما فلسفه‌دانی امری تفتنی شد. استاد طاهرزاده سعی دارند نشان دهند چه اندازه برای حضور در آینده‌ای که انقلاب اسلامی در پیش دارد، نیاز به فهم فلسفه اسلامی از یک طرف و ورود به متن فلسفه معاصر غرب از طرف دیگر هست تا روشن شود اولاً: انقلاب اسلامی با کدام معرفت و زبان می‌تواند ادامه یابد و ثانیاً: حیات اجتماعی ما در این زمان، صرفاً با دانابودن به فلسفه اسلامی یا فلسفه غرب، به تفکر مطلوب دست نمی‌یابد.

۶- فلسفه، در دانشگاه اسیر نظمی شده که امکان تحرک مستقل از آن گرفته شده و بیشتر گرفتار حوزه کارمندی اساتید است و از این جهت نمی‌تواند در چنین جهانی که ما با انقلاب اسلامی وارد آن شده‌ایم، اثرگذار باشد و اساساً آشنایی با متون فلسفی مادامی که ندانیم می‌خواهیم با فلسفه اسلامی و فلسفه غرب به چه هدفی برسیم، فلسفه ورزیدن نیست. از این جهت باید گفت در این جا آن‌هایی که اسیر آن نوع نظم دانشگاهی نیستند، امکان تحرک بیشتری جهت امر فوق دارند.